

نظریه همخوانی صدق در فلسفه کانت

لوری جی. آندروود

تحلیل و نقد تفسیرهای بدیل انگلیسی-آمریکایی

متن کامل صدق در نظریه
معنی کانت

رابرت هانا

ترجمه پوریا گل شناسی



انتشارات مولی



فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم

۱

نظریه‌ی همخوانی صدق در فلسفه کانت

۱

فصل نخست: پرسمان صدق در ایده‌آلیسم ترافرازنده

مقدمه

اصطلاح‌ها و تعاریفها

واقعیت‌گرایی تجربی

ترافرازنده

تراگذرنده

داوری‌ها: حاملان صدق کانتی

اعتبار عینی

واقعیت عینی

شناخت: هدف

صدق [راستی: حقیقت]

شرایط صدق

صدق‌ساز

معنی

خلاصه

فصل دوم: شرح نابسندۀ از صدق

هنری آلیسون

نظر آلیسون درباره‌ی ماهیت شرایط شناختی

رابینسون و آلیسون نقدها و پاسخ‌ها

یازده

۱

۱

۴

۴

۵

۷

۷

۱۰

۱۰

۱۰

۱۳

۱۴

۱۶

۱۹

۲۲

۲۳

۲۳

۲۴

۲۸

- ۳۲ آلیسون و خلط دو معنی از «برابریستا»
۳۳ «الگوی پالایشی» آلیسون
۳۴ هم‌ریختی دشواری‌آفرین نگرگاه «دو - جنبه‌ای» آلیسون
۳۶ پاسخ آلیسون به رابینسون
۳۷ پاسخ به مناظره‌ی دو - جنبه‌ای
۳۸ بازگرد ایمن و مبهم‌گویی آلیسون درباره‌ی «برابریستا»
۳۹ الگوی بنیادگذار در برابر الگوی پالایشی
۴۰ خلاصه
۴۱ فصل سوم: نگرگاه تحقیق‌گرا
۴۱ مقدمه‌ای بر تحقیق‌گرایی
۴۲ پی.اف. استراوسون
۴۴ اصل دلالت
۴۶ معنی، صدق و شناخت
۵۰ ردیه‌ی استنتاج مقوله‌ها
۵۵ پاسخ به ردیه‌ی استنتاج مقوله‌ها
۵۸ کارل پوزی
۵۹ کارل پوزی و ایده‌آلیسم ترافرازنده به سان تحقیق‌گرایی بنیان‌شکنانه
۶۱ ایده‌آلیسم ترافرازنده به سان تحقیق‌گرایی معناشناختی
۶۶ دشواری‌های متنی در نگرگاه تحقیق‌گرایی
۶۸ صدق در تحقیق‌گرایی و داوری‌های ترکیبی پیشین
۷۰ معناداری داوری‌ها در رابطه با اشیاء فی‌نفسه
۷۱ تحقیق‌گرایی و لادری‌گری
۷۲ خلاصه
۷۴ فصل چهارم: نگرگاه ساختارگرایی
۷۴ مقدمه‌ای بر ساختارگرایی
۷۶ پاتنم
۷۷ نخستین نزدیکی به تفسیر درست کانت درباره‌ی صدق
۷۹ تفسیر درست از مفهوم صدق در اندیشه‌ی کانت
۸۳ پاسخ به پاتنم

۸۴	مشکل صدق ناتجربی
۸۵	همریختی و رد همخوانی
۸۷	احساس و سهش
۸۹	جاکو هینتیکا
۹۰	ریاضیات و حسگانی
۹۱	پاسخ به هینتیکا
۹۱	نقش بنیادی حسگانی در تجربه
۹۲	خلاصه
۹۴	فصل پنجم: نگرگاه انسجام‌گرا
۹۴	مقدمه‌ای بر نگرگاه‌های انسجام‌گرا
۹۵	الف واکر
۹۵	داوری‌های تحلیلی
۹۹	داوری‌های تجربی
۱۰۸	داوری‌های توافرازنده
۱۱۰	داوری‌های ذات معقول [بر مبنای]
۱۱۲	خلاصه
۱۱۲	پاسخ به واکر
۱۱۳	انگاره‌های جوهری و انگاره‌های بدیهی همخوانی و انسجام
۱۱۴	صدق و تصدیق ذات معقولی
۱۱۵	ماده‌ی پدیدارها بازنگری در ردیه‌ی پاتنم
۱۱۷	جنبه‌های نخستین و جنبه‌های ثانویه‌ی صدق
۱۱۹	کانت و شیطان فریبکار
۱۲۷	نورمن کمپ اسمیت
۱۲۷	واقعیت، مقوله‌ها و بوده‌ها
۱۳۱	مفاهیم ناب، داوری‌ها و انسجام
۱۳۳	پاسخ به اسمیت
۱۳۴	اهمیت جداسازی تجربی، توافرازنده
۱۳۸	برابرایستای توافرازنده
۱۴۲	خلاصه

۱۴۴	فصل ششم: نگرگاه پیوندی
۱۴۴	مقدمه‌ای بر نگرگاه‌های پیوندی
۱۴۴	نگرگاه هافمایستر
۱۴۵	نابستگی انسجام
۱۴۵	نابستگی همخوانی
۱۴۸	پاسخ به هافمایستر
۱۴۸	واقع‌گرایی تجربی کانت
۱۴۹	شناخت به سان رابطه‌ای چهارحدی
۱۵۰	خلاصه
۱۵۱	نگرگاه پاول کوپن
۱۵۱	بازنگری بدیهه‌وار و ذات معقول
۱۵۲	همخوانی به سان نخستین مفهوم صدق نزد کانت
۱۵۳	«همنهادهی نسبی کانت»
۱۵۳	خلاصه
۱۵۴	پاسخ به کوپن
۱۵۴	بازبینی دشواری دو جنبه‌ای
۱۵۵	شناخت اشیاء فی نفسه
۱۵۶	خلاصه
۱۵۶	نتیجه
۱۵۷	فصل هفتم: نظریه‌ی همخوانی ایده‌آلیستی
۱۵۷	بازنگری کوتاه
۱۵۸	نظریه‌ی‌های همخوانی صدق به‌طور کلی
۱۵۹	بوده [امرواق] چیست؟
۱۶۱	همخوانی به چه معنا است؟
۱۶۱	همخوانی به سان رابطه‌ی منطقی
۱۶۳	همخوانی به سان تجانس
۱۶۵	همخوانی به سان هم‌نسبتی [تضایف]
۱۶۸	همخوانی کانتی
۱۷۱	همخوانی در داورهای تجربی

پیشگفتار مترجم

پیش از هر چیز، لازم است درباره‌ی شیوه‌ی ترجمه‌ی این کتاب سخنی در میان آید. در این کتاب، ارجاع‌های فراوانی به سنجش نخست یافتنی است و در فراگرد ترجمه، همواره به متن سنجش خرد ناب ترجمه‌ی میر شمس‌الدین ادیب سلطانی (ویراست ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳) مراجعه کرده‌ام و از معادل‌های مترجم آن بهره گرفته‌ام، به گونه‌ای که هر جانقل قولی از متن اصلی کانت آمده بود، متن فارسی ترجمه‌شده را عیناً و با رعایت شیوه‌ی خط اصلی آن، در کتاب گذاشته‌ام. برگزیدن این رویکرد مستلزم این بود که ترجمه‌ی اصطلاح‌های کتاب با اصطلاح‌های سنجش یکسان شود و شیوه‌ی ترجمه تا حد ممکن با شیوه‌ی ترجمه‌ی سنجش سازگار گردد تا بدین راه، متن ترجمه یکدست باشد. خوانندگان سنجش می‌دانند که معنای واژه‌ها و اصطلاح‌های کانت تا چه اندازه پیچیده است و تشخیص دیگرسانی‌های ظریفی که میان آن‌ها برقرار است، برای فهم درست اندیشه‌ی او تا چه اندازه اهمیت دارد. خوانندگان در روند مطالعه‌ی کتاب، اهمیت این دیگرسانی‌ها را در خواهند یافت و خوانندگان سنجش پیشاپیش با آن آشنا هستند. میر شمس‌الدین ادیب سلطانی با دقتی بی‌نظیر این کتاب را از متن اصلی به فارسی ترجمه کرده است. اکنون من در جایگاه اظهار نظر درباره‌ی کار ایشان نیستم. گذشته از این‌ها، مقدمه‌ی مفصلی که بر کتاب نوشته‌اند و آثاری که در حوزه‌ی شیوه‌ی خط فارسی و آماده‌سازی کتاب نگاشته‌اند، در کنار آثار مایه‌وری که به‌رشته‌ی تحریر درآورده‌اند و یا ترجمه کرده‌اند خود گویای مطلب است.

لازم است در مقام پشتیبانی از این شیوه، دلیل بیاورم که فرض متداول در ارزیابی ترجمه بر پایه‌ی روانی و سادگی متن در جهت رسانیدن معنی، در شیوه‌ی مترجم این

کتاب مفروض نبوده است. به باور نگارنده، یکی از پیامدهای این ادعا، مرجح دانستن سادگی بر دقت است؛ و به دیگر سخن، مقدم دانستن گونه‌ای تحریف غایت‌نگرانه بر معنی راستین. در نظر بگیرید که استدلالی دشوار را چگونه می‌توان با زبانی ساده بیان داشت؟ بی‌تردید ساده‌سازی که خود استوار بر شیوه‌ای منطقی، یعنی تجزیه و تحلیل است، در انتقال دادن دانش و یا آموزش، شیوه‌ای بسیار اساسی است؛ اما همچنین نباید از نظر دور داشت که شرح تحلیلی برای در رسیدن به بن‌پارها و اصل‌های بسیط، مطلقاً به معنای ساده‌سازی زبانی نیست، زیرا دومی می‌تواند به کژفهمی و خطا راه ببرد. ساختار زبان، خود ساختار منطقی استدلال را باز می‌تاباند؛ و مثلاً اگر قرار باشد همگام با خود کانت به استدلال‌هایش گوش بسپاریم، مستلزم آن است که هم معنای واژه‌ها و هم ساختار صورتی مستدلی را که به کار می‌بندد، در نظر داشته باشیم. اصل دیگری را که در فراگرد ترجمه نگریسته داشته‌ام و بایسته است در اینجا بر آن تأکید کنم، این است که نباید واژه‌ها را بنا بر قرارداد مرسوم بگیریم. چون واژه‌ها به لحاظ دستوری نیز باید درست‌ساخت باشند و معنای دقیق را نشانگری کنند، نه تصور مأنوس را؛ زیرا تصور مأنوس دگرگونی‌پذیر است، و بدین ترتیب توانستنی است که در رسانایی و انتقال‌پذیری دانش خلل وارد آید؛ ولی اگر ساختارها مبتنی بر اصول دقیق نحوی و معنایی باشند، از چنین خطایی می‌توان اجتناب ورزید. بدین سان در ترجمه‌ی این کتاب، از هرگونه پیچیده‌گویی و تصنع پرهیخته‌ام، مگر آنجا که معنایی پیچیده بیان شده بود؛ و کوشیدم تا بدان جایی که فارسی پروانه می‌دهد، همان معنا را در صورتی همانند بازتابانم. بنابراین اصل را بر دقت در ترجمه و انتقال معنی درست گذاشته‌ام؛ و در این مسیر به هیچ‌رو از هرگونه پیچیدگی ضروری پروا نداشته‌ام؛ و اندیشه‌های دشوار را به بهای برخی تحریف‌های جزئی، ساده‌سازی نکرده‌ام.

و اما ضرورت ترجمه‌ی این کتاب چه بوده است؟ مقاله‌های بسیاری در زمینه‌ی نظریه‌ی صدق در فلسفه‌ی کانت نوشته شده‌اند، اما وقتی به کتابی برخوردیم که یکسره به همین موضوع پرداخته و کوشیده است تاریخ تفسیرهای گوناگون از فلسفه‌ی کانت در این حوزه را دربرگیرد، نظرم به آن جلب شد و تصمیم گرفتم به فارسی ترجمه‌اش کنم؛ اما نه

صرفاً به دلیل آنکه به این موضوع علاقه‌مند بودم. اگر به کتاب‌هایی بنگرید که درباره‌ی کانت به فارسی نگاشته و یا ترجمه شده‌اند، درمی‌یابید که اغلب آن‌ها، آثاری مقدماتی و عمومی‌اند در معرفی فلسفه‌ی کانت؛ و کمتر کتابی در زبان فارسی یافتنی است که به حوزه‌های تخصصی‌تر فلسفه‌ی کانت وارد شده باشد. افزون بر این، اینک لازم است ببینیم فلسفه‌ی کانت، در مواجهه با پیشرفت‌های معاصر در فلسفه چه جایگاهی دارد و چگونه تفسیر می‌شود. این کتاب، به‌ویژه این نیاز را پاسخ می‌گوید. مسائل کانت در سنجش، به بسیاری از مسائل بنیادی در فلسفه‌ی تحلیلی نزدیک است؛ و بسیاری از خوانندگان فلسفه به زبان فارسی، آثار ترجمه‌شده در این حوزه‌ی فلسفی را می‌خوانند و آن‌را دنبال می‌کنند. ویژگی جالب این کتاب این است که با نگر به نظریه‌ها و تفاسیری که در فلسفه‌ی تحلیلی صورت گرفته است، به نظریه‌ی صدق در فلسفه‌ی کانت می‌پردازد. بدین ترتیب برای کسانی که به فلسفه‌ی تحلیلی می‌گیرند، مسائل این کتاب جالب توجه خواهد بود؛ زیرا تفسیر برخی از فیلسوفان تحلیلی از کانت، در آن به بحث گذاشته می‌شود و می‌توان آن‌را تاریخ تفسیری نظریه‌ی صدق در فلسفه‌ی کانت دانست. گذشته از این که این کتاب شاید بیشتر مناسب مجال علاقه‌مندان به فلسفه‌ی تحلیلی و خوانندگان کانت باشد؛ دیگر علاقه‌مندان به فلسفه و آن‌ها که در این زمینه اندوخته‌ای هم ندارند، اگر اندکی حوصله به خرج دهند، این کتاب را چندان غریب و دیرپاب نخواهند یافت. این همه از این رو است که نظریه‌ی صدق را شاید بتوان بنیادی‌ترین، و یادست کم یک مسأله‌ی بنیادی شناخت‌شناسی و فلسفه‌ی منطق دانست؛ زیرا پرسش از صدق در هر فلسفه‌ای، کانونی را نشانه می‌گیرد که برای درک این کانون لازم است همه‌ی بنیادهای دیگر آن دستگاه فلسفه را نیز نگریسته داشت و به شرحی جامع و کامل از آن دست یازید؛ و برای درک هر بخشی از آن دستگاه فلسفی نیز لازم است سنجیدار صدق را به دیده گرفت. بنابراین این کتاب مجال خوبی را فراهم می‌آورد تا بتوان به تصویری کلی و مدرن از فلسفه‌ی کانت دست یازید. افزون بر این، نثر این کتاب، به‌رغم این که به مسائل فلسفی بسیار پیچیده‌ای می‌پردازد، چندان دشوار نیست؛ و من این امید را می‌پروراثم که شاید بهانه‌ای شود برای آن که کسانی را به خواندن سنجش آثار برخی از شارحان آن،

نظریه‌های صدق، منطق، شناخت‌شناسی و سخن کوتاه همه‌ی حوزه‌های دیگر که با موضوع در پیوندند، ترغیب کند.

گذشته از این‌ها، بیش از آن‌که با نظریه‌ی مؤلف این کتاب هم‌داستان باشم، به شیوه‌ی پژوهشی او علاقه‌مند شدم و ضرورت به‌دست‌دادن نقشه‌ای کلی از موضوع را به یاد آوردم. سرانجام، چون نمی‌خواستم کتاب را صرفاً با نتیجه‌گیری‌های واپسین فصل از نوشته‌های آندروود، نویسنده‌ی کتاب، به پایان برسانم، یکی از جالب‌ترین مقاله‌هایی را که از کانت‌شناس معاصر، رابرت هانا خوانده بودم، ترجمه کردم و در آخر کتاب گذاشتم تا بدین طریق، راه را برای تأمل دقیق‌تر و عمیق‌تر خوانندگان درباره‌ی این موضوع باز بگذارم و فرصتی را فراهم آورم برای نقد رویکردهای نویسنده‌ی کتاب.

متن ترجمه‌ی این کتاب را دوست‌گران‌قدرم حمیدرضا قنبری با متن اصلی مقابله و متن فارسی را ویراستاری کرد. سپس کتاب را به دکتر یوسف نوظهور (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی) که دیرزمانی است فلسفه‌ی کانت تدریس می‌کنند، نشان دادیم. ایشان بزرگوارانه درخواست ما را پذیرفتند و دیگر بار متن تصحیح شده را (به جز مؤخره) با متن انگلیسی مطابقت دادند و ویراستاری علمی این کتاب را عهده‌دار شدند. امیدوارم این پیشکش به کار اهل فن بیاید، دوستداران فلسفه را خوش آید و کژتابی‌ها و خطاهای مترجم نیز به او گوشزد شود تا بدین طریق در بازچاپ‌های آینده راستگردانی شود.

پوریا گل‌شناس

تهران، اسفند ۱۳۹۹